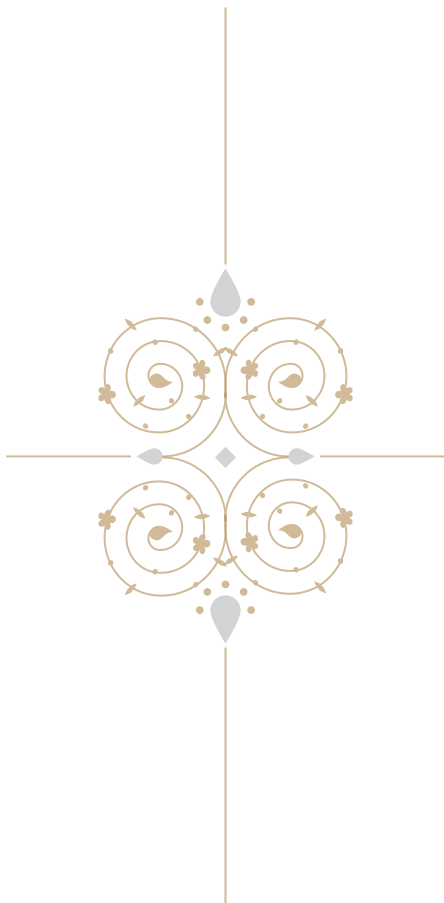


مجلس پنجم

خانواده؛ پناهگاه قلب هاست!

محاصره تبلیغاتی، استحکام خانواده را

هدف گرفته است



مقدمه و شروع بحث

وقتی از کربلا حرف می‌زنیم، فقط از یک نبرد یا یک قیام صحبت نمی‌کنیم؛ کربلا، مدرسه تربیت است، و یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که از آن می‌گیریم، درس «خانواده» است. سفر امام حسین علیه السلام به کربلا، فقط یک سفر فردی یا سیاسی نبود؛ یک سفر خانوادگی بود. زن و مرد، کودک و جوان، پیر و نوجوان، همه با هم راهی این مسیر شدند؛ و این یعنی، امام حسین علیه السلام برای ساختن تاریخ، خانواده‌اش را با خود همراه کرد. این خودش یک پیام بزرگ است.

شما به روابط درون این خانواده دقت کنید؛ رابطه حضرت با حضرت علی اکبر را ببینید: علی اکبر برای رفتن به میدان، با ادب و احترام از پدر اجازه می‌گیرد، و پدر با چشمان اشک‌بار او را راهی می‌کند. این، فقط شجاعت نیست، یک پیوند روحی عمیق بین پدر و پسر است. رابطه حضرت حسین با همسرش حضرت رباب را ببینید: وفاداری‌ای که رباب بعد از شهادت شوهرش نشان داد، بی‌نظیر است. او تا پایان عمر، درسوگ حسین گریست و به هیچ خواستگاری پاسخ نداد. رابطه حضرت عباس علیه السلام با برادرش امام حسین علیه السلام هم جلوه زیبایی از غیرت و وفاداری است؛ آن چنان که وقتی حضرت به آب رسید، از تشنگی خود گذشت و یاد لب‌های خشکیده



برادر افتاد. این‌ها صحنه‌هایی از یک خانواده مستحکم است؛ خانواده‌ای که محبتش با ایمان گره خورده و برایش، «با هم بودن» فقط در رفاه معنا ندارد، بلکه در بلا معنا پیدا می‌کند.

در کنار همه این‌ها، نقش حضرت زینب علیها السلام فراموش نشود. ایشان نه فقط خواهر، بلکه ستون خیمه مقاومت و عزت بودند. در سخت‌ترین لحظات، هم پشتیبان امام بودند، هم نگهدار زنان و کودکان، و هم ادامه‌دهنده پیام نهضت. کربلا، صحنه‌ای است که در آن، خواهر و برادر، زن و شوهر، مادر و فرزند، همه در نهایت انسجام و مهربانی، در کنار هم ایستادند. این خانواده، الگویی است برای ما؛ الگویی برای روزهایی که طوفان تهاجم فرهنگی، بنیان خانواده‌ها را نشانه گرفته است. این شب، شب خانواده محکم است؛ خانواده‌ای که نه با پول می‌ماند، نه با تجمل، بلکه با وفاداری، غیرت، حیا، احترام، سازگاری و ایمان.

حالا سؤال مهم این است: چطور می‌شود چنین خانواده‌ای ساخته شود؟ خانواده‌ای که در سخت‌ترین بحران تاریخ اسلام، این‌طور با هم می‌ماند، کنار هم می‌جنگند، با هم گریه می‌کنند، با هم می‌جنگند و با هم تا آخر راه می‌روند؟ پاسخ این است: چنین خانواده‌ای، اتفاقی ساخته نمی‌شود. این خانواده، حاصل ایمان است؛ حاصل محبت واقعی، احترام متقابل، گذشت، همدلی، حیا، غیرت، و تربیت درست. این خانواده، در سایه دین و نگاه بی‌نهایت به زندگی شکل گرفته است.

اما امروز چه اتفاقی افتاده است؟ چرا بنیان خانواده در جهان و حتی در کشور ما، سست شده؟ چرا روابط بین زن و شوهر، پدر و فرزند، خواهر و برادر، این‌قدر متزلزل شده است؟ چون دشمن، درست به همان نقطه‌ای که کربلا آن را تقویت کرد، حمله کرده است: تحکیم خانواده.



محور اول: خانواده مستحکم، بزرگ‌ترین مانع سلطه رسانه‌ای دشمن

پیام کلیدی: اهمیت تشکیل و استحکام نهاد خانواده

اگر یادتان باشد، شب گذشته با هم گفت‌وگو کردیم که هیچ نهادی در عالم، مقدس‌تر و محبوب‌تر از خانواده نیست. خانواده در نگاه خدا، جایگاهی ویژه دارد؛ چون اصلی‌ترین نقش را در تربیت انسان‌ها دارد. گفتیم که طاغوت زمان به‌رهبری صهیونیست‌ها دنبال آن است که خانواده را از صحنه خارج کند. چرا؟ چون می‌خواهد تربیت انسان‌ها را به‌طور انحصاری در اختیار خودش بگیرد. اگر خانواده از این نقش کنار برود، طاغوت راحت‌تر می‌تواند نسل‌ها را آن‌طور که خودش می‌خواهد شکل دهد.

همچنین گفتیم که طاغوت از سه مسیر برای ضربه زدن به خانواده وارد عمل می‌شود: تشکیل، تحکیم و تداوم خانواده. دیشب درباره مرحله اول یعنی تهاجم به تشکیل خانواده صحبت کردیم. دیدیم که در کشورهای مختلف دنیا، از جمله ایران، چطور آمار ازدواج پایین آمده و سن ازدواج بالا رفته است. همچنین گفتیم که در بعضی کشورها مثل کشورهای آمریکای جنوبی، تولد فرزندان خارج از ازدواج به شدت افزایش پیدا کرده، و این‌ها نشان‌دهنده آسیب‌های جدی در تأسیس خانواده است.

اما امشب می‌خواهیم درباره مرحله دوم یعنی تحکیم خانواده صحبت کنیم؛ یعنی مستحکم کردن پیوند خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن. تحکیم خانواده از نظر خداوند بسیار مهم است. اسلام در تشکیل خانواده، سخت‌گیری نمی‌کند؛ مثلاً برای ازدواج، نیازی به شاهد نیست و حتی مهم نیست که زن در شرایط خاصی مثل پاکی باشد یا نه. اما در مقابل، درباره طلاق سخت‌گیری‌های زیادی شده. طلاق در هر شرایطی ممکن نیست؛



مثلاً زن نباید در دوران بارداری یا در زمان پاکی بعد از نزدیکی باشد.^۱ همچنین برای طلاق، باید دو شاهد عادل حضور داشته باشند.^۲

این سخت‌گیری‌ها برای این است که طلاق با اینکه حلال است اما در نظر خداوند بسیار ناپسند است امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَا مِنْ شَيْءٍ مِّمَّا أَحَلَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَبْغَضَ إِلَيْهِ مِنَ الطَّلَاقِ»؛ (در بین حلال‌های خدا، هیچ چیزی مبغوض‌تر از طلاق نیست).^۳ خداوند از این حلال بیزار است. چرا؟ چون طلاق بنیان خانواده را از بین می‌برد و تبعات سنگینی برای همه - به ویژه برای فرزندان - دارد. و در طرف مقابل، نظام طاغوت تلاش می‌کند تا با ایجاد نارضایتی و ناآرامی، بنیان خانواده را سست کند و آن را به سمت طلاق بکشانند؛ تا در نهایت بتواند تربیت انسان‌ها را خودش به دست بگیرد.

محور دوم: محاصره تبلیغاتی؛ ابزار مهندسی نارضایتی در خانواده

پیام کلیدی: بیان روش‌های ایجاد نارضایتی در خانواده توسط رسانه‌ها

در شب‌های گذشته عرض شد که نظام سلطه با سرمایه‌گذاری عظیم در حوزه رسانه و با تصاحب اغلب شرکت‌های رسانه‌ای جهان، توانسته یک محاصره تبلیغاتی همه‌جانبه بر ذهن و دل انسان‌ها رقم بزند. آنان با کنترل گسترده اطلاعات، دستگاه محاسباتی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و ارزش‌گذاری‌های ذهنی‌شان را دست‌کاری می‌کنند. اما امشب می‌خواهیم به یک نقطه محوری در این جنگ شناختی اشاره کنیم: نقطه کانونی در تضعیف خانواده از دید رسانه‌های سلطه‌گر، افزایش نارضایتی درون خانه است.

رسانه‌ها به دنبال آن نیستند که مستقیماً خانواده را منهدم کنند، بلکه راهبردها را ایجاد فاصله عاطفی و روانی میان زن و شوهر، والدین و

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۲ ص ۱۱۶

۲. همان، ص ۱۰۲

۳. اصول کافی ج ۶ ص ۵۴



فرزندان، و تضعیف احساس رضایت در روابط خانوادگی است. آن‌ها خوب می‌دانند تا زمانی که اعضای خانواده از یکدیگر راضی، دلخوش، و دلبسته باشند، فروپاشی ممکن نیست. برای افزایش این نارضایتی چند اقدام کوتاه مدت و بلندمدت در حال اجراست:

الف. ایجاد مشغولیت و کمبود وقت

یکی از مهم‌ترین ابزارهای رسانه برای ایجاد نارضایتی در خانواده، ایجاد مشغولیت و کمبود وقت است. رابطه عاطفی سالم، به‌ویژه بین زن و شوهر، بدون گفت‌وگوی صمیمانه و مستمر دوام نمی‌آورد. اما نظام سلطه جهانی با محاصره تبلیغاتی خود، خانواده‌ها را وارد چرخه‌ای از سرگرمی‌های بی‌ثمر و زمان‌بر کرده است. بسیاری از اعضای خانواده، ساعت‌ها در شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای یا تماشای سریال‌ها و کلیپ‌ها وقت می‌گذرانند، بی‌آنکه بفهمند دارند مهم‌ترین سرمایه زندگی‌شان را از دست می‌دهند؛ فرصت گفت‌وگو با عزیزانشان. فقط در بحث بازی‌های رایانه‌ای طبق آخرین آمار منتشرشده از سوی بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای، حدود ۴۰ میلیون ایرانی به‌طور متوسط روزانه ۹۰ دقیقه از وقت خود را صرف بازی‌های موبایلی یا رایانه‌ای می‌کنند.^۱

طبق آمارهای رسمی، میانگین گفت‌وگوی روزانه در خانواده‌های ایرانی از ۲ ساعت به تنها ۱۷ دقیقه رسیده است.^۲ این کاهش هولناک، زنگ خطری جدی است؛ چراکه کاهش گفت‌وگو، یعنی کاهش شناخت، کاهش همدلی، کاهش اعتماد، و در نهایت افزایش نارضایتی.

جذابیت‌های رسانه‌ای، با طراحی‌های دقیق روان‌شناسانه، آن‌قدر قدرتمند عمل می‌کنند که فرد نه تنها از گذشت زمان غافل می‌شود، بلکه ارزش خانواده را هم فراموش می‌کند. در نتیجه، پدر یا مادر در خانه حضور



1. <https://ima.ir/xjKSVj>

2. <https://president.ir/fa/95518>

دارند، اما ذهنشان کیلومترها دورتر است. کودک یا همسر در کنار آن هاست، اما دیده نمی‌شود و شنیده نمی‌شود.

جا دارد در همین جا یادی کنیم از شهید مدافع حرم، حجت‌الاسلام مالمیری که همسر بزرگوارشان نقل می‌کردند: «ایشان بعضی روزها از صبح تا شب پشت سر هم کلاس و درس و تدریس داشتند. گاهی ساعت‌های پایانی شب به خانه می‌رسید، در حالی که دیگر هیچ توان و رمقی نداشت. اما حتی در همان حال، دلش نمی‌آمد به بچه‌ها بی‌اعتنایی کند؛ روی فرشِ سالن دراز می‌کشید و با همان بی‌حالی، شروع می‌کرد با بچه‌ها بازی کردن.»^۱ این یعنی مردی که عظمت رسالت پدری را می‌فهمد، خسته‌ترین لحظاته‌اش را هم خرج تحکیم خانواده‌اش می‌کند. این یعنی فهم دقیقی مسئولیت، و همین رفتارهاست که فرزندانِ مقاوم، با محبت و اهل جهاد تربیت می‌کند.

۱. ترویج تجمل‌گرایی و چشم‌وهم‌چشمی

رسانه‌های غربی با ترویج سبک زندگی تجمل‌گرایانه، جامعه را به سمتی سوق داده‌اند که خواسته‌های غیرضروری به عنوان «نیازهای اصلی» معرفی می‌شوند. در گذشته، زندگی مردم ساده و بی‌آلایش بود و نبود امکانات لوکس، حس محرومیت ایجاد نمی‌کرد؛ اما امروز، تبلیغات فراگیر باعث شده حتی نداشته‌ن کالاهای غیرضروری، به عنوان نقصی بزرگ در زندگی تلقی شود.

رسانه با تصویرسازی مداوم، برای ما نیاز می‌سازد. مثلاً خانه‌اش ۷۰ متر است، اما چون در اینستاگرام همه میز ناهارخوری ۸ نفره دارند، او هم باید داشته باشد؛ حتی اگر جایی برای راه رفتن نماند. یا دختری که می‌توانست با وسایل ساده زندگی‌اش را شروع کند، حالا با حجم عظیمی از جهیزیه برند

۱. بخشی از خاطرات همسر شهید در مستند شهید مالمیری



و خارجی وارد زندگی می‌شود؛ نه از روی نیاز، بلکه چون رسانه به او گفته این‌ها لازم است.

امروزه اگر در خانه‌ای ماشین ظرف‌شویی، ماشین لباسشویی پیشرفته، یخچال ساید، سرویس خواب کامل، پرده‌های خاص، فرش گران‌قیمت یا وسایل تزیینی لوکس نباشد، برخی می‌گویند: «یعنی اینا رو ندارین؟ مگه میشه؟» اگر کسی بگوید این اقلام، ضرورت واقعی ندارند، با تعجب و اعتراض مواجه می‌شود: «مگر می‌شود بدون این‌ها زندگی کرد؟»

اما سؤال اصلی اینجاست: چه کسی تعیین می‌کند که چه چیزی ضروری است و چه چیزی نه؟ آیا به نظر نمی‌رسد دستگاه محاسباتی همسران در خانواده دچار اختلال شده و مسائل فرعی جای مسائل اصلی را گرفته‌اند؟ آیا رسانه‌ها امروزی، زندگی ما را به ۸۰ سال دنیای مادی محدود نکرده‌اند و ما را از حقیقت بی‌نهایت وجود انسانی غافل نکرده‌اند؟

مثلاً خانواده‌ای که نان ساده و لبخند دارند، احساس کم‌بودن می‌کنند چون تصویر قاب‌شده‌ای از مهمانی پرزرق و برق دیگری را دیده‌اند که همه چیزش چیده شده است، اما حتی به این فکر نمی‌کند که ممکن است ذره‌ای رضایت در آن خانه نباشد.

در این فضا، فشار اقتصادی به حدی بالا می‌رود که مردان مجبور می‌شوند به جای ۸ ساعت، ۱۴ ساعت کار کنند؛ نه برای نان و تربیت، بلکه برای «ظاهر زندگی». و زنان نیز ناچارند وارد بازار کار شوند، نه از سر علاقه یا رسالت، بلکه برای جبران فاصله‌ای که رسانه با القای «بایدها» ساخته است.

نتیجه این سبک زندگی، فقدان وقت باکیفیت در خانواده است. وقتی تمام انرژی صرف تأمین هزینه‌های تجملاتی می‌شود، چه فرصتی برای تربیت فرزند، صمیمیت با همسر یا رسیدن به آرامش قلبی باقی می‌ماند؟

ما گاهی شبیه ماهی‌ای هستیم که در دل دریا، دنبال آب می‌گردد؛ دنبال



آرامش می‌گردیم در حالی که آرامش، همین حالا در کنارمان است. اما تبلیغات رسانه‌ها، ذهنمان را آن قدر درگیر کرده که ساده‌ترین شکل خوشبختی را نمی‌بینیم.

داستانی هست از یک تاجر شهرنشین و پرمشغله که از دغدغه‌های بی‌پایان زندگی شهری خسته شده بود، کنار ساحل یک دهکده ایستاده بود. قایقی کوچک از راه رسید. در آن، ماهیگیری ساده چند ماهی صید کرده بود. تاجر جلورفت و پرسید: «چرا بیشتر ماهی نمی‌گیری؟» ماهی‌گیر با لبخند گفت: «همین برای سیر کردن خانواده‌ام کافی است.»

تاجر پرسید: «پس بقیه روزت را چه می‌کنی؟» جواب شنید: «صبح‌ها ماهی می‌گیرم، بعد از ظهرها با بچه‌هایم وقت می‌گذرانم، غروب‌ها مسجدی می‌روم و شب‌ها در کنار خانواده ساده و آرام زندگی می‌کنم.»

تاجر که مسیر موفقیت را در ذهنش مرور می‌کرد گفت: «باید قایق بزرگ‌تر بخری، بیشتر صید کنی، پول جمع کنی، کارگر استخدام کنی» ماهی‌گیر گفت: بعدش چه می‌شود؟ تاجر گفت: «فروشگاه فروش ماهی راه می‌اندازی دیگر» ماهی‌گیر گفت: بعدش چه می‌شود؟ تاجر گفت: «فروشگاه‌های زنجیره‌ای فروش ماهی راه می‌اندازی» ماهی‌گیر گفت: بعدش چه؟ تاجر گفت: «آن وقت می‌توانی کارخانه‌های تولید تن ماهی راه‌اندازی کن» ماهی‌گیر گفت: بعدش چه می‌شود؟ تاجر گفت: «سال‌ها بعد پولدار می‌شوی و می‌روی کنار ساحل خانه‌ای می‌گیری و هر روز چند ماهی صید می‌کنی و کنار زن و فرزندانت با آرامش زندگی می‌کنی.» ماهی‌گیر آرام لبخند زد و گفت: «خب من همین حالا دارم همین کار را می‌کنم!»

این داستان تلنگری است به ما. گاهی آن قدر درگیر نقشه‌های پیچیده برای آینده می‌شویم که حال ساده و صادقانه زندگی را از دست می‌دهیم. این همان اشتباهی است که نظام طاغوتی با ترویج زندگی پرمشغله،



رقابت‌های سنگین، مصرف‌گرایی، و معیارهای غلط موفقیت، ما را گرفتار آن کرده است. درحالی‌که آرامش و تحکیم خانواده، همین حالا در دسترس ماست؛ اگر فقط چشم باز کنیم و دل بدهیم. اگر مثل مرد ماهی‌گیر، خانواده را محور زندگی قرار دهیم، به فرزندان و همسر توجه کنیم، وقت بگذاریم و معنا را فدای ظاهر نکنیم.

۲. جایگزینی سازگاری با حقوق‌گرایی

یکی از اختلال‌هایی که در اثر تهاجم رسانه‌ای به وجود آمده، تغییر نگرش افراد به زندگی خانوادگی است. امروزه متأسفانه رابطه میان زن و شوهر، به جای اینکه بر پایه محبت، سازگاری و تفاهم استوار باشد، بیشتر بر اساس حقوق فردی و مطالبات شخصی تعریف می‌شود. این یعنی به جای آنکه همسران باگذشت و درک متقابل، مشکلات را حل کنند، بیشتر به این فکر می‌کنند که «حق من چیست؟» و «چه چیزی را باید به دست بیاورم؟» این تغییر نگرش، ناشی از همان اختلال در دستگاه محاسباتی ماست. رسانه‌ها به طور مداوم این پیام را تکرار می‌کنند که: «زندگی همین دنیا است؛ توقف همین هشتاد سال را داری، پس باید سهم خود را تمام و کمال بگیری!» در چنین فضایی، نگاه اخلاق محور به خانواده کم‌رنگ می‌شود و جای خود را به نگاه حقوق محور می‌دهد.

نتیجه این نگاه، جای‌گزینی «من» به جای «ما» در زندگی مشترک است. زن و شوهر به جای آنکه یک واحد باشند، تبدیل می‌شوند به دو فرد مجزا که هرکدام فقط دنبال سهم خودشانند. خانه، به جای محل آرامش، می‌شود میدان امتیازگیری و حساب و کتاب: «من ظرف شستم، تو چرا لباس‌ها را جمع نکردی؟»، یا «من فلان کار را برای خانواده‌ات کردم، حالا تو باید جبران کنی.»

در این فضا، خانواده از حالت یک «تیم هماهنگ» خارج می‌شود. مثل



تیم فوتبالی که هر بازیکن فقط دنبال گل زدن خودش است؛ نه به کسی پاس می‌دهد و نه به برد تیم فکر می‌کند. معلوم است که چنین تیمی به جایی نمی‌رسد. خانواده هم اگر به جای همراهی و همکاری، محل رقابت و مطالبه‌گری شود، هیچ‌وقت رنگ آرامش و موفقیت را نخواهد دید.

۳. افزایش نارضایتی‌ها با مقایسه‌های غلط

رسانه‌های تمدن مادی غرب، با نمایش لحظات رمانتیک و گزینش شده از زندگی برخی افراد، دستگاه محاسباتی همسران را دچار اختلال کرده و ذهن آن‌ها را به سمت مقایسه‌های نادرست سوق می‌دهند. آنچه این رسانه‌ها ارائه می‌کنند، تصویری تحریف شده از واقعیت است؛ گویی خوشبختی حقیقی فقط در همان صحنه‌های نمایشی و چشم‌نواز خلاصه می‌شود که در اینستاگرام و شبکه‌های مشابه به اشتراک گذاشته می‌شوند.

متأسفانه این القاءات حتی بر افراد سن‌دار هم اثر می‌گذارد و آن‌ها را از معنویت و سعادت واقعی غافل می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که خوشبختی را نه در حقیقت زندگی، بلکه در همان تصاویر گذرا و سطحی جست‌وجو می‌کنند. این همان الگوی «انسان ۸۰ ساله» است که دنیا را فقط از منظر ظاهری می‌بیند و از عمق معنوی آن غافل می‌شود. در حالی که آنچه ما در این رسانه‌ها می‌بینیم، صرفاً یک برش یا «اسلایس» محدود از زندگی افراد است، نه تمام واقعیت.

مخاطبان، ناخودآگاه زندگی واقعی و پراز افت‌وخیز خود را با ظاهر بزرگ‌شده و ساختگی دیگران مقایسه می‌کنند و همین مسئله باعث بروز حس ناکامی و یأس می‌شود. اینستاگرام و رسانه‌های مشابه، تصویری آرمانی از زندگی ارائه می‌دهند که حتی برای بسیاری از افراد مرفه نیز دست‌نیافتنی است. نتیجه این فریب رسانه‌ای آن است که تصور می‌کنیم تنها زوج‌های موفق، همان‌هایی هستند که صحنه‌های عاشقانه خود را



به نمایش می‌گذارند؛ در حالی که واقعیت زندگی بسیار فراتر و پیچیده‌تر از چند تصویر یا کلیپ تبلیغاتی است.

این نوع مقایسه‌های نادرست، که فقط بر اساس بخشی ناچیز از واقعیت شکل می‌گیرند، بنیان خانواده را متزلزل کرده و برداشت‌های نادرستی از خوشبختی و روابط همسران به وجود می‌آورد. واقعاً آیا می‌توان بر اساس چند تصویر، درباره تمام ابعاد زندگی یک فرد قضاوت کرد؟ آنچه در فضای مجازی می‌بینیم، فقط آن چیزی است که دیگران می‌خواهند ما ببینیم؛ نه آنچه واقعاً در زندگی‌شان می‌گذرد.

۴. ترویج بی‌حیایی و تخریب غیرت

یکی از چیزهایی که امروز رسانه‌ها به‌طور جدی به آن حمله کرده‌اند، غیرت مردانه و حیای زنانه است. این رسانه‌ها طوری القا می‌کنند که اگر مردی غیرت داشته باشد، یعنی خشونت دارد! اگر زنی حیا داشته باشد، یعنی عقب‌مانده است! این نگاه، نگاه یک تمدن مادی است که فقط دنیا را می‌بیند و ارزش‌های معنوی را انکار می‌کند.

اما در نگاه اسلامی، غیرت و حیا دو پایه مهم برای حفظ خانواده‌اند. خانواده‌ای که در آن غیرت نباشد، حریم امنی ندارد؛ خانواده‌ای که در آن حیا نباشد، دیوارهای احترامش می‌ریزد. کم‌کم آرامش از خانه می‌رود، نارضایتی در دل‌ها شکل می‌گیرد،

حالا اگر بخواهیم معنای واقعی غیرت و حیا را بفهمیم، کربلا بهترین نمونه را به ما نشان می‌دهد. ببینید حضرت عباس علیه السلام وقتی صدای تشنگی کودکان را شنید، غیرتش اجازه نداد بی‌تفاوت بماند. خودش را به خطر انداخت، دلیرانه وارد فرات شد، آب آورد، اما خودش لب نزد. این یعنی غیرت، یعنی مردی که اهل گذشت است، مردی که خودش را سپر خانواده‌اش می‌کند.



یا ببینید حضرت زینب علیها السلام در اوج بحران، وسط میدان جنگ، اسارت، آتش، بی‌پناهی... اما لحظه‌ای حیا و وقارش را از دست نداد. حتی در مجلس یزید، با همان اقتدار معنوی حرف زد، ولی ذره‌ای از حیای خود کم نکرد. این یعنی حیای واقعی؛ حیایی که شخصیت می‌سازد.

رسانه‌ها می‌خواهند ما زینب نداشته باشیم، عباس نداشته باشیم، یعنی خانواده‌ها دیگر حیا و غیرت نداشته باشند. اگر غیرت از مرد گرفته شود، دیگر مدافع خانواده‌اش نیست. اگر حیا از زن گرفته شود، دیگر نگهبان حریم خانه‌اش نیست و این یعنی سقوط خانواده. این یعنی پیروزی دشمن بی‌آنکه تیر و گلوله‌ای شلیک کرده باشد.

این محاصره تبلیغاتی و حمله همه‌جانبه به نهاد خانواده، واقعاً آثار سنگینی به جای گذاشته. این‌طور نیست که فقط یک بحث نظری یا فرهنگی باشد؛ نه، پای زندگی واقعی مردم در میانه است. خانواده‌های زیادی زیر بار این فشارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای از هم پاشیده‌اند. خانه‌هایی که می‌توانست گرم‌ترین جای دنیا برای زن و شوهر و بچه‌ها باشد، حالا پر شده از اختلاف، دلخوری و فاصله. فرزندان زیادی قربانی همین فروپاشی‌ها شده‌اند. و این دقیقاً همان چیزی است که دشمن دنبال آن است؛ تضعیف نهاد خانواده، برای آن‌که انسان را تنها، بی‌پناه و آماده پذیرش سبک زندگی طاغوتی کند. نتیجه نارضایتی‌ها و از بین رفتن استحکام خانواده خیلی حشتناک است که چند نمونه به عنوان مثال بیان می‌شود:

۱. افزایش طلاق و ناپایداری خانواده

یکی از نتایج تلخ برنامه‌ریزی‌های رسانه‌های طاغوتی، افزایش طلاق و ناپایداری خانواده‌هاست. در برخی کشورها مثل کانادا، نزدیک به نیمی از



ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شود؛ یعنی از هر دو ازدواج، یکی دوام نمی‌آورد! این روند نگران‌کننده، کم‌کم به کشور ما هم رسیده. در سال‌های اخیر، آمار طلاق در ایران هم به شدت بالا رفته. مردم راحت‌تر از گذشته طلاق می‌گیرند و انگار دیگر زندگی مشترک، آن قدرها هم جدی گرفته نمی‌شود.^۱

درست است که هنوز آمار طلاق در کشور ما مثل اروپا و آمریکا نشده، اما مسیرمان همان مسیر است؛ مسیری که تهش به فروپاشی خانواده‌ها می‌رسد. و این همان چیزی است که طراحان جنگ نرم، آن را می‌خواهند؛ مخصوصاً زنجیره اقتصادی و فرهنگی صهیونیسم جهانی که به دنبال نابودکردن بنیان خانواده‌هاست، چون می‌داند تا خانواده سالم باشد، جامعه تسلیم نمی‌شود.

۲. رواج سبک زندگی انفرادی

یکی دیگر از نتایج تلخ تهاجم فرهنگی دشمن، گسترش سبک زندگی تک‌نفره است. در کشور آلمان، ۴۰ درصد خانوارها، تنها از یک نفر تشکیل شده‌اند! یعنی هرچه جلوتر می‌رویم، خانواده‌ها کوچک‌تر و رابطه‌ها سردتر می‌شوند. همین وضعیت در کشورهایی مثل سوئد، فرانسه، دانمارک، فنلاند و استونی هم دیده می‌شود؛^۲ یعنی «خانواده» ای که دیگر هیچ شباهتی به آن خانواده گرم و صمیمی که ما می‌شناسیم ندارد.

در ژاپن هم وضعیت نگران‌کننده است. طبق آمار رسمی دولت ژاپن در سال ۲۰۲۳، از بین ۵۴ میلیون خانوار، بیش از ۱۸ میلیون خانوار فقط یک نفر عضو دارند. یعنی از هر سه خانواده، یکی تنها زندگی می‌کند. نگران‌کننده‌تر این که حدود نیمی از این افراد تنها، سالمندان بالای ۶۵ سال هستند که در

۱. The Daily A fifty-year look at divorces in Canada, 1970 to 2020

۲. آمار طلاق در ایران در سال ۱۴۰۲، حدود ۴۲ درصد بوده است؛

<https://amarfact.com/statistics/marriage-and-divorce-registered-in-iran/>

۳. One in Three Japanese Households Consist of Just One Person | Nippon.com



تنهایی روزگار می‌گذرانند.^۱ بعضی‌ها می‌گویند دلایل مسائل اقتصادی است، اما آمارهای رسمی می‌گویند حتی کودکان زیر ۱۸ سال هم به تنهایی زندگی می‌کنند! این دیگر فقط مشکل مالی نیست؛ این یعنی فرهنگ خانواده در حال فروپاشی است.^۲

در آمریکا هم اوضاع کم‌وبیش همین است. آمارها نشان می‌دهد نزدیک به ۳۰ درصد خانواده‌های آمریکایی تک‌نفره‌اند؛ و این عدد در چند دهه اخیر بیش از دو برابر شده است. این یعنی غرب دارد به سمتی می‌رود که در آن زندگی انفرادی، عادی و حتی آرمانی شده؛ چیزی که در نگاه ما، نوعی تنهایی و سردی و فاصله از صمیمیت و ارتباط انسانی است.^۳ حالا باید از خودمان بپرسیم: آیا ما هم می‌خواهیم به همان سمتی برویم که غرب رفته؟ آیا می‌خواهیم خانه‌هایی داشته باشیم که در آن فقط یک نفر زندگی می‌کند، بدون صدای بچه، بدون گفت‌وگوی پدر و مادر، بدون صمیمیت؟ این همان آینده‌ای است که دشمن می‌خواهد به ما تحمیل کند، اگر ما مراقب نباشیم.

۳. آسیب‌پذیری فرزندان طلاق

هنگامی که طلاق اتفاق می‌افتد، فرزندان رها می‌شوند و تربیت آن‌ها آسیب می‌بیند. فرزندان طلاق، یکی از پراسیب‌ترین فرزندان در کشور و در دنیا هستند.^۴ نشان می‌دهد که بسیاری از افرادی که رفتارهای غیرمعمول در جامعه انجام می‌دهند، فرزندان طلاق هستند. آسیب زندگی‌ای که با

۱. . One in Three Japanese Households Consist of Just One Person | Nippon.com

۲.

۳.

۴. گزارش مرکز عدالت کانادا در اینبار به بدین شرح است: بررسی گسترده‌ای نشان داده که «کودکانی که والدینشان طلاق گرفته‌اند، در مقایسه با سایر کودکان، بیشتر در معرض ریسک‌های متعدد اجتماعی و روانی قرار می‌گیرند»

https://www.justice.gc.ca/eng/rp-pr/fl-lf/divorce/2002_2/p4.html



محدودیت‌ها، ناسازگاری‌ها، بدخلق‌ی‌ها و کمبودها ادامه پیدا می‌کند، به مراتب کمتر از زندگی‌ای است که منجر به طلاق می‌شود.

وقتی خانواده نباشد یا سست شود، هزاران آسیب اجتماعی گریبان جامعه را می‌گیرد. دیگر کسی نیست که به نیازهای عاطفی کودکان پاسخ دهد یا تربیت صحیح آن‌ها را بر عهده بگیرد. در چنین شرایطی، آسیب‌های اجتماعی رشد می‌کنند؛ افسردگی گسترش می‌یابد، اعتیاد و بزهکاری افزایش پیدا می‌کند. فرزندی که محبت پدر و مادر را نچشیده باشد، ممکن است سر از خیابان و ناهنجاری در بیاورد. چون نه کسی را دارد که او را بفهمد و نه افقی برای آینده‌اش می‌بیند.

از همه مهم‌تر اینکه با تضعیف خانواده، معنویت هم کم‌رنگ می‌شود. بسیاری از ارزش‌ها مانند محبت، گذشت، مسئولیت‌پذیری، نماز، دعا و تقوا، در دل خانواده شکل می‌گیرد. اگر خانه جای تربیت و آرامش نباشد، نوجوان ما برای یافتن هویت و آرامش به جاهای نادرست پناه می‌برد.

واقعیت این است: اگر خانواده از هم بپاشد، جامعه نیز تعادل و سلامت خود را از دست می‌دهد. یک جامعه سالم، از خانواده‌های سالم ساخته می‌شود. همین‌جاست که باید فهمید چرا دشمن به سراغ خانواده آمده است.

محور سوم: خانواده؛ فرصتی برای بندگی خدا

پیام کلیدی: سه توصیه برای بی‌نهایت شدن خانواده

خب حالا سؤال این‌جاست: اگر این همه خطر نهاد خانواده را تهدید می‌کند، ما چه باید بکنیم؟ چطور می‌شود خانواده را حفظ کرد و جلوی فروپاشی آن را گرفت؟

یکی از مهم‌ترین راه‌ها این است که نگاه‌مان به خانواده را عوض کنیم. باید با نگاه انسان بی‌نهایت وارد خانواده شویم، نه با نگاه انسان ۸۰ ساله‌ای که



فقط به آسایش دنیای کوتاه خود فکر می کند. انسان بی نهایت، خانواده را یک مزاحم یا محدودیت نمی بیند؛ بلکه آن را فرصتی برای رشد، تکامل و تقرب به خدا می داند. برای بی نهایت شدن در خانواده چند گام ساده پیشنهاد می شود:

۱. در خانه تقسیم کار کنیم!

اولین گام در این مسیر، تقسیم کار و کمک به همسر است. پیامبر اسلام ﷺ در تقسیم وظایف بین حضرت زهرا (ع) و امام علی (ع)، کارهای داخل خانه را به حضرت زهرا و کارهای بیرون را به امام علی سپردند.^۱ اما نکته جالب اینجاست: وقتی حضرت زهرا از سختی کار خسته شدند و از پیامبر کمک خواستند، پیامبر ﷺ به جای اینکه کارگر بفرستند، تسبیحاتی به ایشان یاد دادند که قوت روحی می بخشید؛ تسبیحاتی که امروز به نام «تسبیحات حضرت زهرا (ع)»^۲ معروف است و بعد از هر نماز می خوانیم. حضرت زهرا، چون انسان بی نهایت بود، با دل و جان پذیرفت؛ نه گفت «تسبیح چه ربطی به کار خونه داره!»

از آن طرف، مرد خانواده هم باید یاور همسرش باشد. در یک روایت بسیار زیبا، امام علی (ع) می فرمایند: «روزی پیامبر ﷺ وارد خانه شدند، دیدند من در حال پاک کردن عدس هستم و فاطمه (ع) کنار دیگ غذاست. فرمودند: ای علی! بدان که اگر مردی در کار خانه به همسرش کمک کند، خداوند به اندازه هر مویی از بدنش، ثواب یک سال عبادت به او می دهد!»^۳ و بعد شروع کردند ثواب های عجیب و بزرگ را یکی یکی

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۲

۲. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، ج ۲ ص ۳۶۶

۳. از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: پیامبر خدا (ص) بر ما وارد شدند در حالی که فاطمه (س) کنار دیگ غذا نشسته بود و من در حال پاک کردن عدس بودم. پیامبر (ص) فرمودند: «ای ابوالحسن!» گفتم: «لیک، ای رسول خدا!» فرمودند: «از من بشنو، و من جز آنچه پروردگارم به من امر کرده، نمی گویم. هیچ مردی نیست که به همسرش در کارهای خانه کمک کند، مگر اینکه به ازای هر مویی بر بدنش، ثواب



شمردن؛ از هزار حج و هزار شهید گرفته تا پاداش خدمت به هزار گرسنه و برهنه... و در آخر فرمودند: کسی که با خوش رویی در خانه به خانواده‌اش خدمت کند، بدون حساب وارد بهشت می‌شود!

ببینید عزیزان! این یعنی نگاه اهل بیت به خانواده؛ نگاهی سرشار از عشق، گذشت و معنویت. نگاهی که در آن، خدمت به همسر عین عبادت است. اگر ما هم چنین نگاهی پیدا کنیم، خانواده‌هایمان محل رشد و آرامش می‌شود، نه میدان جنگ بر سر «کی چی گفت» و «حق من چی شد». پس بیا بید خانواده را با نگاه اهل بیت بازسازی کنیم؛ با تسبیح حضرت زهرا، با غیرت امام علی، با لبخندهای از سر فداکاری. این همان خانواده انسان بی‌نهایت است.

۲. برای کار همسرمان ارزش قائل شویم!

یکی از تفاوت‌های مهم نگاه انسان ۸۰ ساله و انسان بی‌نهایت، در همین نگاه به کارهای خانه است. در نگاه تمدن مادی، کار خانگی بی‌ارزش است، مخصوصاً اگر زن در خانه مشغول باشد، تحقیر می‌شود. انگار ارزش زن را فقط شغل بیرونی و حقوق پایان ماه تعیین می‌کند. اما در نگاه

عبادت یک سال که روزش را روزه بگیرد و شبش را به عبادت بایستد، به او داده شود. و خداوند متعال به او پاداشی مانند آنچه به صابران، داود نبی، یعقوب و عیسی علیهم‌السلام داده، عطا می‌کند. ای علی! هر کس در خدمت خانواده‌اش در خانه باشد و از این کار کراهت نداشته باشد، خداوند نامش را در دیوان شهدا می‌نویسد و برای هر روز و شب، ثواب هزار شهید برایش ثبت می‌کند و به ازای هر قدمی که برمی‌دارد، ثواب یک حج و یک عمره برایش نوشته می‌شود. و خداوند به ازای هر رگی در بدنش، شهری در بهشت به او عطا می‌کند. ای علی! یک ساعت خدمت به عیال، بهتر از عبادت هزار سال، هزار حج، هزار عمره، آزاد کردن هزار بنده، هزار غزوه، هزار عیادت از بیمار، هزار نماز جمعه، هزار تشییع جنازه، سیر کردن هزار گرسنه، پوشاندن هزار برهنه، و فرستادن هزار اسب در راه خداست. و بهتر از هزار دیناری است که به فقرا صدقه دهد، و بهتر از خواندن تورات، انجیل، زبور و قرآن، و بهتر از آزاد کردن هزار اسیر، و بهتر از دادن هزار شتر به فقراست. و چنین کسی از دنیا نمی‌رود مگر اینکه جایگاهش را در بهشت می‌بیند. ای علی! کسی که از خدمت به عیال کراهت نداشته باشد، بدون حسابرسی وارد بهشت می‌شود. ای علی! خدمت به عیال، کفاره گناهان کبیره است، خشم پروردگار را خاموش می‌کند، مهریه حورالعین است، و حسنات و درجات را افزایش می‌دهد. ای علی! جز صدیق، یاشهید، یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برایش بخواهد، به عیال خدمت نمی‌کند.» جامع‌الآخبار، ص ۱۰۲.



اسلامی، کار در خانه، مخصوصاً برای زنان، نه تنها بی ارزش نیست بلکه بسیار بافضیلت است؛ چون پایه تربیت نسل آینده و آرامش خانواده، دقیقاً از همین جا شروع می شود. احادیث اهل بیت علیهم السلام برای همین کارهای ساده روزمره در خانه، پاداش هایی فوق العاده بیان کرده اند.

ام سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کرد: «یا رسول الله! مردها همه فضیلت‌ها را بردند؛ جهاد و نماز جماعت و... پس برای ما زنان چه مانده؟» پیامبر فرمودند: «وقتی زنی باردار می شود، اجر روزه دار و شب زنده دار را دارد. وقتی بچه اش را به دنیا می آورد، خداوند پاداشی می دهد که خودش هم نمی داند چقدر بزرگ است. وقتی شیر می دهد، هر بار شیر دادن، اجر آزاد کردن بنده ای از نسل اسماعیل را دارد. و وقتی شیر دادن تمام شد، فرشته ای می زند به پهلویش و می گوید: گناهانت بخشیده شد، از نو شروع کن!»^۱

این یعنی، در منطق انسان بی نهایت، همین کارهای روزمره که شاید به چشم نیاید، در پیشگاه خدا بسیار بزرگ و باارزش است. این نگاه عمیق، به انسان انگیزه و قدرت تحمل سختی می دهد، باعث می شود زن و مرد به هم کمک کنند، قدر زحمت یکدیگر را بدانند، و خانواده ای بسازند که نه بر پایه ظاهر، بلکه بر اساس معنویت، آرامش و عشق بنا شده است.

۲. باهمدیگر «سازش» داشته باشیم!

یکی از نکاتی که در سبک زندگی انسان بی نهایت دیده می شود، همین مسئله «سازگاری» است. یعنی اینکه آدم‌ها وقتی با سختی و ناسازگاری در زندگی زناشویی روبه رو می شوند، بلافاصله به فکر جدا شدن و طلاق نمی افتند، بلکه تحمل می کنند، سازگاری می کنند و سعی می کنند با گفت و گو و صبر، مسائل را حل کنند.

اگر به زندگی پیامبران الهی نگاه کنیم، می بینیم که بسیاری از آن‌ها با



سختی‌های جدی در زندگی خانوادگی مواجه بودند، اما باز هم طلاق آخرین گزینه بود. مثلاً حضرت لوط علیه السلام، با اینکه همسرش از نظر عقیدتی در جبهه مخالف بود و حتی جزء کسانی شد که مشمول عذاب الهی گردید،^۱ اما باز هم ایشان تا آخر او را طلاق ندادند. چرا؟ چون پیامبران آمده‌اند تا به ما یاد بدهند چطور در زندگی خانوادگی صبور باشیم.

در زندگی اهل بیت علیهم السلام هم ما نمونه‌هایی از تحمل و مدارا می‌بینیم. اصلاً در تاریخ شیعه، طلاق در بین معصومین بسیار نادر است. تنها موارد محدودی داریم که آن‌ها به خاطر اختلاف‌های عاطفی یا مشکلات روزمره، بلکه به خاطر انحرافات فکری جدی مثل دشمنی علنی با امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. یعنی جایی که امام دیدند طرف مقابل ناصبی است و به ولایت اهانت می‌کند، آن‌جا طلاق دادند.

پس این بزرگواران، الگوی ما هستند. آن‌ها با سختی‌ها ساختند، با ناسازگاری‌ها مدارا کردند و هر اختلافی را بهانه طلاق نکردند. این نگاه، دقیقاً نقطه مقابل فرهنگی است که رسانه‌های امروز ترویج می‌دهند. آن‌ها می‌گویند اگر کوچک‌ترین اختلافی پیدا شد، جدا شوید؛ اما دین ما می‌گوید تا جایی که ممکن است، بساز، مدارا کن، چون حفظ خانواده، حفظ ریشه‌های یک جامعه است.

وقتی خدا می‌خواهد این الگو را به ما معرفی کند از چه عبارتی استفاده می‌کند؟

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۲ به واژه اهل بیت دقت کردید؟ خدا وقتی می‌خواهد حجت‌های خودش روی زمین را معرفی کند به این خانواده بودن تأکید دارد و بعد نزول این آیه

۱. اعراف/۱۸

۲. سوره احزاب آیه ۳۳



پیغمبر ﷺ به صورت مداوم ۹۰ روز هر روز به درب خانه امام علی و حضرت زهرا (علیها السلام) می‌رفتند و این طور سلام می‌کردند: **(السلام علیکم اهل البيت ورحمة الله وبرکاته، الصلاة یرحمکم الله)** و بعد آیه تطهیر را تلاوت می‌کردند^۱ تا برای همیشه الگوی بودن و اهمیت احترام به این خانواده مشخص باشد، بارها پیامبر اکرم به مردم سفارش کردند که تنها راه سعادت پیروی و محبت به اهل بیت (علیهم السلام) است، اما مردم در مقابل چه کردند؟

به هیچ‌کدام از اعضای این خانواده رحم نکردند، اگر پیامبر ﷺ توصیه می‌کردند به اهل بیت من ظلم کنید بیش از این نمی‌توانستند انجام دهند! حتی به کودک و نوجوان رحم نکردند وقتی عبدالله بن حسن صدای درخواست یاری امام زمانش را شنید با اینکه ۱۱ سال بیشتر نداشت و جنگ بر او واجب نبود^۲ اما خود را به میانه میدان رساند و حضرت زینب (علیها السلام) نتوانست جلو رفتن او را بگیرد، بحر بن کعب تیمی با شمشیری به سمت امام حسین حمله‌ور شد، عبدالله به او گفت وای بر تو ای ناپاک زاده، می‌خواهی عموی مرا بکشی؟ بحر بن کعب با شمشیر ضربه‌ای زد، عبدالله دست خود را جلو آورد و سپر کرد، ضربه بر دست او فرود آمد و دستش قطع و به پوست آویخته شد...^۳

امام حسین (علیه السلام)، عبدالله را به سینه چسبانده اما یک وقت نانجیب صدا زد **حرملة..... قَالَ فَرَمَاهُ حَزْمَلَةُ بْنُ كَاهِلٍ بِسَهْمٍ فَذَبَحَهُ وَهُوَ فِي حَجَرِ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ**. بمیرم، عبدالله روی سینه حسین با تیر حرملة ذبح شد... **فَذَبَحَهُ** یعنی تیر گلو را پاره کرد...^۴

۱. طبری، تفسیر، ج ۲۲، ص ۵-۶ - اسماعیل بخاری، الکئی، ج ۱، ص ۲۵-۲۶، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۰ ق. - احمد بن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۲۵۹، استانبول، ۱۴۰۱ ق/ ۱۹۸۱ م - سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۶، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.

۲. شیخ مفید، الارشاد، ج ۱۶، ق ۱، ص ۱۱۱.

۳. طبری، تاریخ طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۵، ص ۴۵۰-۴۵۱؛ سید بن طاووس، اللهوف، انوار الهدی، ص ۷۲.

۴. الارشاد ج ۲ ص ۱۱۱- معالی السبطين ص ۱۲۱





برای مطالعه بیشتر

۱. کتاب خانواده مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری علیه السلام

در تنظیم این کتاب، بیش از یکصد سخنرانی ایشان، مربوط به جلسات خطبه خوانی عقد، نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، دیدار مداحان در سالروز میلاد حضرت زهرا علیها السلام و جلسات با بانوان نخبه به کار رفته است. سخنان ایشان در این کتاب حاوی مطالبی با موضوع فلسفه و اهمیت ازدواج، تفاوت نظر اسلام و غرب درباره ازدواج، تفاوت‌ها و جایگاه مرد و زن در خانواده و... است.^۱

۲. کتاب تا ساحل آرامش نوشته محسن عباسی ولدی

مجموعه کتاب تا ساحل آرامش، تلاش کرده است با زبانی روان مسائل مربوط به داشتن یک زندگی مشترک موفق را به مخاطب منتقل کند.

یکی از ویژگی‌های این کتاب این است که بر خلاف غالب آثار در موضوع خانواده این کتاب با مبانی روانشناسی غربی نوشته نشده است و بر مبنا روانشناسی اسلامی است.



1. <https://sahba.ir/product/ZD8%AE%ZD8%A7%D9%86%D9%88%ZD8%A7%D8%AF%D9%87/>

عناوین این چهار جلد عبارت اند از:

- کتاب اول: فانوس دانایی؛ شناخت‌های لازم در زندگی مشترک
- کتاب دوم: قایق مهربانی؛ بایدهای زندگی مشترک ۱
- کتاب سوم: بادبان مدارا؛ بایدهای زندگی مشترک ۲
- کتاب چهارم: گرداب دروغ؛ نبایدهای زندگی مشترک ۱
- ۳. کتاب زندگی، ماهیت و شناخت نوشته حمید حبشی

این کتاب از دریچه دین به خانه، خانواده و مسائل مرتبط با آن نگاه می‌کند. از نظر این کتاب، خانه و خانواده آنقدر رفیع و بلندجایگاه است که خدا نیز خانه دارد. از این رو، هر تلاشی که به ایجاد خانه، پایداری آن، تأمین نیازهایش، استحکام و تقویت و اصلاح آن منجر شود، در محضر خداوند، عزیز و مبارک است و هرآنچه که بنیان و بنای خانه و خانواده را متزلزل کند و به آن آسیب بزند، موجب غضب و خشم خداست.

فصل‌های این کتاب به ترتیب عبارت اند از:

- فصل اول: مدیریت روابط خانواده
- فصل دوم: از مالکیت به امانت‌داری
- فصل سوم: بنیان‌های روانی زن و مرد
- فصل چهارم: اقتدار
- فصل پنجم: شناخت عوامل اقتدار شکنانه
- فصل ششم: سطح و عمق در زن و مرد ۲

1. <https://ketabefetrat.com>

2. <https://nashremaaref.ir/product/441351/>

